

حادثه‌ای در کار است یا نه!؟

با گذشت چند روز از فاجعه‌ی معدن زغال‌سنگ معدن جو طبس، انبوهی از تحلیل‌های ریز و درشت از جناح‌های مختلف روانه‌ی فضای مجازی شدند. جدا از تحلیل و تفسیرهای آبکی رسانه‌های بورژوازی (و البته از سر دشمنی با طبقه‌ی کارگر در جهت پیش‌برد منافع خود) که از دخالت «اقتصاد دستوری» و «آثار تحریم» بر فاجعه حکایت می‌کنند، گروهی از مهندسان و فرهیختگان دانشگاهی و ... هم به شرح دلایل فنی حادثه پرداختند. دوستان و رفقای هم بودند که با تحلیل‌های درست، ریشه‌های اصلی مسئله را با انتقادهایی پایه‌ای، نمایان کردند. در تکمیل تحلیل رفقای که از در کار نبودن هیچ حادثه‌ای سخن گفتند، سؤال می‌شود که آیا واقعاً در نظام سرمایه‌داری هیچ حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتد؟! یا هر آن چه اتفاق می‌افتد را باید به حساب قتل عمد گذاشت؟! آیا در نظامی که غیرسرمایه‌داری باشد، سوسیالیستی باشد، از حوادث خبری نیست؟!

حال که بورژوازی با تمام دم و دستگاه عریض و طویلش در جهت تحمیق توده‌ها می‌کوشد و حتی تمام علوم انسانی و مهندسی و ... را به خدمت خود می‌گیرد و هر کسی را که انتقادی پایه‌ای داشته باشد با برچسب ضدعلم و سانتی‌مانتالیسم و ... محکوم می‌کند، بگذارید پاسخ سوال فوق را به زبان خودشان بدهیم تا مقبول نظر اهالی فن نیز قرار گیرد.

حوادث صنعتی را می‌توان به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرد: حوادث شغلی و حوادث فرایندی.

حوادث شغلی به حوادثی گفته می‌شود که عموماً به افراد آسیب مستقیم می‌رساند و شامل مواردی مانند سقوط از ارتفاع، برق‌گرفتگی، برخورد سر با جسم سخت، لیز خوردن و ... می‌شوند^۱ و در آن‌ها خبری از آسیب‌های جدی به تجهیزات نیست. حوادث فرایندی به حوادثی گفته می‌شود که معمولاً از جنس آتش‌سوزی، انفجار و نشت مواد خطرناک بوده و به دلیل نقص در رویه‌ها و فرایندها اتفاق می‌افتد که عمده‌ی خسارت متوجه تجهیزات و دارایی‌ها است. البته ناگفته نماند که این حوادث هم معمولاً از میان کارگران قربانی می‌گیرند اما ممکن است یک حادثه‌ی فرایندی هیچ‌گونه آسیبی جانی نداشته باشد حال آن که حوادث شغلی حتماً آسیب‌های بدنی و جانی به همراه دارند.

حوادث شغلی به دلیل اعمال کم‌تر کنترل‌ها معمولاً پرشمار هستند و به همین علت علم مهندسی که در دوره‌ی سرمایه‌داری به خدمت بورژوازی درآمده، می‌گوید احتمال این حوادث بالاست و شدت آن کم و دلیلش را به اعمال نایمن خود کارگران نسبت می‌دهد و سهم شرایط نایمن و محیط نایمن را ناچیز می‌شمارد. در شرایط و محیطی

^۱ عموم موارد فوت کارگران مربوط به حوادث شغلی است.

که مسئولیت‌های اصلی را متوجه صاحبان سرمایه می‌کند، سرمایه با منطق هزینه و سود خود، از شدت کم این حوادث سخن می‌گوید. چون میزان دیه‌ی یک انسان به مراتب کم‌تر از قیمت یک تجهیز فرایندی (پمپ، کمپرسور، بویلر و ...) است، حوادث شغلی در رده‌ی حوادث کم‌شدت به حساب می‌آیند. اما حوادث فرایندی به دلیل اعمال بالای کنترل‌های فنی، مهندسی و مدیریتی، استفاده از پیشرفته‌ترین تجهیزات، طراحی‌های ذاتاً ایمن به منظور پیشگیری از حوادث، در رده‌ی حوادثی به حساب می‌آیند که احتمال وقوع آن‌ها کم است اما در صورت بروز از شدت بالایی برخوردارند که خسارت‌های مالی عظیمی را متوجه صاحبان سرمایه می‌کند.^۲

سرمایه‌داری برای جلوگیری از وقوع چنین حوادثی که سرمایه‌های ثابتش در خطر است حسابی سرکیسه را شل می‌کند و حتی حق بیمه‌های هنگفتی را سالیانه برای جبران خسارت‌های احتمالی پرداخت می‌کند. اما در حوادث شغلی، با نگاه کاملاً درونی‌شده‌ی کالایی به کارگر و انسان، با همان منطق مزخرف هزینه و سود خود، هزینه کردن برای پیشگیری از چنین حوادثی را غیرمنطقی و غیرضروری می‌داند و بدیهی است که روزنامه‌ی دنیای اقتصاد هم، دلیل فاجعه را فقر ناشی از تحریم بداند که به سرمایه‌دار «محترم» فشار آورده و برای کنترل هزینه‌ها مجبور است با جان کارگران بازی کند.

حادثه‌ی معدن جو طبس بدون شک جزو حوادث فرایندی محسوب می‌شود که قربانیانش کارگران بودند. دلیل این که چرا کارفرما برای پیشگیری از این حادثه که فرایندی بوده و سرمایه‌های ثابتش را مورد تهدید قرار می‌داده، هزینه‌ای نکرده است به این برمی‌گردد که عموماً در معادن بر خلاف صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، تجهیزات گران‌قیمتی به کار نمی‌رود که صاحبان سرمایه نگران از دست رفتن آن‌ها باشند.

بله، به راستی این حادثه، حادثه نبود، بلکه قتل عمد بود. اما حوادث وجود دارند و می‌توانند در صورت خطاهای ناخواسته‌ی فنی و مهندسی و بسیاری از دلایل دیگر اتفاق بیفتند. در این میان پیوستن به کارزارهای رنگارنگ برای مشخص شدن علت حادثه و تشکیل نظام مهندسی HSE و ... مسئله را به صورت ریشه‌ای حل نخواهد کرد. حتی به فرض وجود یک محیط کار کاملاً ایمن برای کارگران باز هم باید پرسید که اساساً چرا شرایط جامعه به گونه‌ای باشد که جمع‌کثیری از آن در شرایط سخت (ولو ایمن) کار کنند و عده‌ی اندکی از ثمره‌ی کار آنان در ناز و نعمت به سر برند. این انتقاد صحیح را باید تعمیم داد و به نقد همه‌جانبه‌ی نظم حاکم دست زد. تلاش برای اثبات حادثه بودن یا نبودن، عمد یا غیرعمد بودن این فجایع، کافی نیست.

^۲ در علوم مهندسی، حاصل ضرب احتمال وقوع حادثه و شدت حادثه، ریسک نام دارد. معمولاً در ریسک‌های برابر، ریسکی که شدت بیش‌تری دارد نسبت به ریسکی که احتمال بیش‌تری دارد، دارای اهمیت است.

^۳ حق بیمه‌ی یک مجتمع پالایشگاهی کوچک حدود ۴ میلیون یورو در سال است.